

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

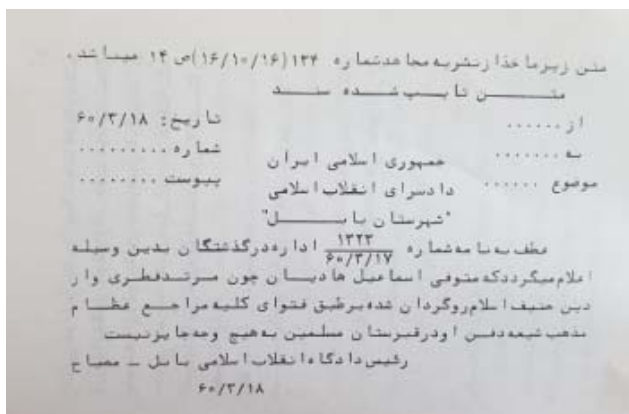
Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۰ می ۲۰۱۹

در باره زندگی رفیق شهید اسماعیل هادیان



چریک فدائی خلق، رفیق شهید اسماعیل هادیان در سال ۱۳۲۷ در شهر بابل و در یک خانواده زحمتکش، دیده به جهان گشود. به رغم تنگدستی خانواده در حالی که تلاش می کرد، تا جایی که می تواند از سنگینی بار تأمین زندگی خانواده که بر دوش پدرش بود، بکاهد، اما از تحصیل باز نماند و با وجود همه رنج ها و مشقت ها، موفق شد پس از گرفتن دیپلم در دانشکده علم و صنعت به تحصیلات خود ادامه دهد و در رشته مهندسی ساختمان از آن دانشکده فارغ التحصیل شود.

رفیق هادیان که خود در خانواده تنگدستی بزرگ شده و درد ها و رنج های توده های ستمدیده را با پوست و گوشت خود لمس کرده بود، با همه وجود از نظم ظالمانه حاکم نفرت داشت. به همین دلیل هم یعنی به خاطر شرایط مادی زندگی خود و لمس درد و رنج کارگران و زحمتکشان، خیلی زود جذب اندیشه های کمونیستی شد و تلاش نمود تا راه رهایی از وضعیت نکتباری را که نظام سرمایه داری شکل داده، پیدا نماید. جو سیاسی دانشکده، در کنار فضای سیاسی شهر بابل - که یکی از شهر هایی بود که با رستاخیز سپاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه، جوانان بسیاری از این شهر به هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران برخاستند - به وی کمک نمود تا خیلی زود به هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران برخیزد. به همین دلیل هم در سال ۱۳۵۴ توسط ساواک شاه دستگیر و قریب دو سال را در چنگال شکنجه گران ساواک در زندان به سر برد. پس از آزادی از زندان، که با رشد و

گسترش مبارزات توده ها علیه رژیم شاه توأم شد، رفیق اسماعیل هادیان به امواج انقلاب سال های ۵۶- ۵۷ پیوست و در جریان انقلاب هر چه بیشتر آبدیده شد.

وی که در این زمان، با همه امکانات خود از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی می کرد، با دیدن مواضع و تحلیل های این سازمان که با تئوری های اولیه چریکهای فدائی خلق در تباین بود؛ و به خصوص با مشاهده مماشات این جریان با رژیم جمهوری اسلامی، با اتکاء به آگاهی انقلابی خویش به اصالت رهبری سازمان شک نمود و به محض این که معتقدان به تئوری مبارزه مسلحانه، صفوف خود را از این سازمان جدا نمودند، با همه وجود به این جریان پیوست و با شور وصف ناشدنی به تقویت آن و گسترش صفوفش در بین کارگران و ستمدیدگان پرداخت. رفیق اسماعیل در شرایطی به دفاع از تئوری ها و سنت های رزمندگان دهه ۵۰- که با همه وجود به آنها باور داشت- برخاست و به چریکهای فدائی خلق ایران پیوست که سازمان فدائی، زیر سلطه اپورتونیست ها از قدرت و اتوریته زیادی برخوردار بود و ایستادن و اتخاذ موضع انقلابی در مقابل آن به شهادت انقلابی و آگاهی عمیق از مسائل انقلاب نیاز داشت و برآستی که رفیق اسماعیل هادیان از این خصوصیات به وفور برخوردار بود. او بدون هراس از تبلیغات و ابعاد وسیع نیرو های سازمانی که تحت رهبری اپورتونیست ها قرار گرفته بود، از کم بودن و تنها ماندن نهراسید و به قول خودش "آستین" ها را بالا زد و شب و روز تلاش نمود تا صفوف جریان انقلابی جدید را گسترش داده و آن را آماده تأثیر گذاری هر چه بیشتر بر روند رویدادهای جاری کشور و دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان نماید.

در جریان همین فعالیت های خستگی ناپذیر بود که رفیق اسماعیل سرانجام در تاریخ ۱۲ خرداد ماه [جوزا] ۱۳۶۰ در یکی از پایگاه های سازمان در شهر ساری توسط نیروهای دشمن، دستگیر و سپس زیر شکنجه های وحشیانه دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در این مصاف بود که دلاورانه به شهادت رسید. خانه ای که رفیق در آن دستگیر شد، چاپخانه چریکهای فدائی خلق ایران بود. او شب هنگام وقتی می خواست وارد خانه شود، در کمین مزدورانی افتاد که از پیش در آنجا دام گسترده بودند. پس از دستگیری با این که رفیق اطلاعات و رابطه های زیادی داشت ولی با مقاومت قهرمانانه اش در زیر شکنجه های دژخیمان رژیم، اسرار سازمان را حفظ، دشمن را در رسیدن به اهدافش ناکام و به تعهد انقلابی خود در این زمینه در مقابل خلق خویش عمل نمود.

پس از جان باختن این رفیق، خانواده اش موفق شدند تا جسد وی را از رژیم بگیرند. پس از تحویل جسد، آثار شکنجه های وحشیانه بر روی جسد به گونه ای بود که شکنجه ها و جنایات مزدوران جمهوری اسلامی قابل انکار نبود و پخش خبر آن در سطح شهر های بابل و ساری مایه تنفر و انزجار هر چه بیشتر مردم این شهرها از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی شده بود. مقامات رژیم که با مشاهده عکس العمل مردم می دیدند که رسوائی بزرگی برایشان به بار آمده، با صحنه سازی ها و خیمه شب بازی های تلویزیونی در صدد تبرئه خود بر آمدند و ادعا کردند که رفیق اسماعیل هادیان "خودکشی" کرده است؛ ولی رسوائی رژیم بیش از آن بود که مردم این اراجیف را باور کنند.

با این وصف، شهادت رفیق هادیان همچون زندگی مبارزاتی اش، در خدمت رشد آگاهی خلق قرار گرفت. جمعیت زیادی که در مراسم تشییع جنازه او شرکت کرده بودند در حالی که کینه و خشمی فراوان نسبت به رژیم منفور جمهوری اسلامی در دل هایشان انباشته شده بود با گرامیداشت خاطره رفیق اسماعیل هادیان، احترام و عشق خود به فرزند انقلابی شان را به نمایش گذاردند. اما رژیم از دفن جسد رفیق در گورستان عمومی شهر ممانعت به عمل آورد؛ همچنان که بعد ها در مورد خیلی از انقلابیون و آزادیخواهان آشکارا چنین کرد. اما چریک فدائی خلق، رفیق

اسماعیل هادیان، به رغم همه این تشبثات، در قلب کارگران و ستمدیدگان جا گرفت و یادش الهام بخش انقلابیون دیگری شد که با باور به آرمان های وی مبنی بر ضرورت نابودی نظام سرمایه داری جهت رسیدن به آزادی و سوسیالیسم به صحنه مبارزه با دشمنان مردم وارد شدند.

یاد رفیق اسماعیل هادیان جاودان و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۶۴، پانزدهم اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۸